

ضروری است ببینیم با چه روشی بهتر میتوانیم
بهدف و مقصد خود برسیم و در هر مورد با چه
شیوه‌ای به بیش رویم تا موجبات سکون و آرامش
بیشتر فراهم گردد.

۱- آموزش‌ها: در ایجاد سازگاری در کودک
برای ما مهم است که شیوه و روش سازگار شدن
و کیفیت زندگی مطلوب را به کودک بیاموزیم و به
او یاد دهیم چه چیزی خوب و چه چیزی بد است.
او باید مورد هدایت و راهنمایی قرار گیرد و
بداند رفتار خود را چگونه نشان دهد. در هر
وقت و فرصتی چگونه کار کند و بچه صورت از
هدف و رغبت خود دور نماند.



تذکرات والدین و مربیان در این زمینه تا
حدودی میتوانند سازگار سازند. باید هرچندگاه
یکبار او را موعظه کرد، پند داد و نصیحتش نمود
و از او باید خواست خود را بگونه‌ای با وضع موجود
تطابق دهد. عدم موضعگیری و آموزش سبب
میشود که کودک عمل خود را درست و مطلوب
بنگارد و بهمان صورت و وضع رفتار خود را ادامه
دهد.

۲- تفاهم و احترام: این هم اصلی مهم و
سازنده است که اساس روابط و امر و نهی خود را با
کودک بر مبنای تفاهم و احترام قرار دهیم.
آغوش خود را برای محبت به او بگشائیم و سعی
کنیم به او بفهمانیم که دوستدار و خیرخواه اوئیم
کودک باید دریابد که ما او را دوست داریم
به محبت و احترام باید مطمئن شود و بداند که
در صورت امکان خواهیم کوشید نیازهای او را به
سادگی برآورده سازیم.

۳- وادار به اندیشیدن: گاهی لازم است
فرصتی برای طفل در نظر گیریم و امکاناتی فراهم
آوریم که در سایه آن درست بیندیشد. درباره خود

ناسازگاری کودکان

شیوه‌های اصلاح

اما در طریق اصلاح و درمان ناسازگاری‌های
کودکان شیوه‌ها و مراقبت‌هایی مطرح است که ما
ذیلاً به مواردی از آنها اشاره میکنیم و البته

موقعی که بیکارند برای والدین و مربیان خود در دسر درست می‌کنند .

تا جایی که ممکن است سر او را به چیزی گرم کنید برایش کار بنتراشیده با تشویق و دلگرمی او را امر و نهی کنید ، بخواهید بازی کند ، بدود بجهد بخندد ، شاد باشد و ...

۷- ایجاد زمینه اعتماد بخود

باید سعی کرد که زمینه اعتمادی در او بوجود آید آنچنان که قائم به خود باشد و با استفاده از عنایات الهی سرپای خود بایستد . بخشی مهم از ناسازگاریهای کودکان و بزرگان بدان خاطر است که اینان شدیداً " وابسته به غیرند و بهنگامی که نیازشان برآورده نشود نتوانند سرپای خود بایستند سر از ناسازگاری درمی‌آورند .

دربازسازی کودکان باید اصل را بر این امر استوار کرد که جز به خدا امید نبندد و جز از خود توفیقی نداشته باشد . اگر از والدین و مربیان توقعی داشت که برآورده نشد خود را ننازاد و رفتار نادرست نداشته باشد .

۸- تمرین تسلط بر خود : ضروری است گاهگاهی شرایط و موقعیت هائی فراهم آوریم تا کودک در آن بتواند خودی نشان دهد و مسائل و دشواری های خود را شخصاً " حل کند و در هر مرحله ای که موفقیتی کسب کرد مورد تشویق قرار گیرد .

باری زمینه ای فراهم کرد که بتواند خشم خود را فرو بخورد ، و اگر صحنه ای نامساعد پدید آمد در برابر آن ناراحتی خود را نشان ندهد و این کار بدینصورت قابل عمل است که درموردی احساس خشم پدید آمد فوراً " به او متذکر شویم و گوشزدش کنیم که دارد وضعی غیر عادی پیدا میکند .

و رفتار خود مطالعه و تعمق کند ، دریابد آنچه را که انجام میدهد درست است یا نادرست ؟

و چنان کودک اگر تحریف نشده دست نخورده باشد میتواند در برابر اعمال و رفتارش نیکو داوری کند و حق را از ناحق و درست را از نادرست به او بشناساند و با هدایت و ارشاد والدین او را وادار به ارزیابی درست از رفتار و موضعگیری عاقلانه تر نماید .

۴- گسترش روابط : در طریق سازندگی و اصلاح رفتار ناسازگارانه کودک یکی از راهها این است که او را تشویق کنیم که دوستی ها و همبستگیهایش را گسترش دهد و به بازی های گروهی بیشتر روی آورد . این امر سبب خواهد شد در ضمن بازی ها و روابط دوستانه خود را تعدیل کند و به اصلاح بیشتر رفتارش بپردازد . معمولاً " افراد در طریق دوستی ها و همبستگی ها موفق می گردند . اصلاح راه و روش خود و اصلاح عیبها می شوند .

۵- اعطای مسئولیت : در مواردی اعطای مسئولیت و واگذاری وظیفه ای به آنها سبب میشود که آنان رفتار خود را تعدیل کنند و عبارتی دیگر بر سر عقل آیند .

مثلاً شما میتوانید نوازش و آرام کردن کودک کی خردسال را به او بسپارید بشرطی که او را زیر نظر داشته باشید تا صدمه ای نیافریند . یا اگر مزرعه ای باغچه ای و گلخانه ای و یا مرغهایی دارید ، امر آبیاری ، دانه دادن مرغان و ... را به او بسپارید و از او مسئولیت بخواهید . تشویقات شما از آنان در سایه حسن عملشان در انجام دادن مسئولیت میتواند کار ساز و سازنده باشد .

۶- ایجاد زمینه برای اشتغال : این واقعیتی است که بگوئیم بیکاری بلا آفرین است ، کودکان تا



اگر او را از آن مدرسه به جایی دیگر انتقال دهیم و مخصوصاً " در محیط جدید از راه احترام و تفاهم با او برخورد شود طفل میتواند شخصیت اصیل خود را بدست آورد .

۱۲- ایجاد شرایط مناسب : و بالاخره این مسئله مهم است که در همه حال شرایط زندگی او را در حدود امکان مناسب بسازیم و از این طریق محیط را برای رشد او آماده نمائیم . او برای زندگی عادی و متعادل خود نیاز دارد دور از اضطراب ، نابسامانی ، بدرفتاری ، بدآموزی محرومیت و ناکامی باشد . شرایط و امکاناتی داشته باشد که گاهی هم بتواند عقده تکانی کنسد دق دل خالی کرده و آرامشی بیابد . او نیاز دارد در محیطی زندگی کند که بتواند سرپای خود بایستد ، برخورد و رفتار خود مسلط باشد ، از عوامل و شرایط نگران کننده دور باشد و والدین و مربیان مسئولند که چنین زمینه ای را فراهم سازند .

برهیزهای لازم

در عین حال باید یادآور شویم که والدین و مربیان در طریق بازسازی شخصیت کودک باید از انجام رفتارهایی بپرهیزند که برخی از آنها عبارتند از :

۱- ملامت های افراطی : اگر کودکی ناسازگار و برآن اساس گفتیم بیمار است باید بدانیم که بیمار در اثر ملامت در مان نمیشود . او را باید از راه تذکرات و پندها و دیگر شیوه های مذکور اصلاح و درمان کرد . بویژه این نکته را باید در نظر داشت که افراط در ملامت شعله لجاجت و بد رفتاری را تیزتر میسازد . (الافراط فی الملامه یشب میزان اللجاج)

۹- درمان پزشکی : در مواردی لازم است که برای برخی از حالات و جنبه های ناسازگاری کودک را به نزد پزشکی ببریم تا معاینات لازم را انجام دهد و ریشه و علت ناسازگاری را دریابد . گفتیم که این احتمال وجود دارد که رفتار نا متعادل طفلی ریشه زیستی داشته باشد و بشود با داروئی قرار و آرام را به کودک باز گرداند ، یا در مواردی با درمان بیماری انگلی در کودک جلوی برخی از بیقراری ها را میتوان گرفت و یا با بررسی طرز کار برخی از غدد میتوان دریافت که چرا طفل دچار حالتی چون افسردگی ، انزوا جوئی و ... است

۱۰- روان درمانی : این هم شیوه ای است که روانپزشکان ، یا متخصصان اعصاب و روان روانکاوان ، مشاوران روانشناس عهده دار آن هستند و از طرق مختلفی ریشه های ناسازگاری را در کودک کشف کرده و به درمانش میپردازند .

از طریق نوع حرکات و بازیهای که کودک انجام میدهد ، و از راه مطالعه رفتار و عادات او میتوان دریافت که او را چه میشود . و بعداً " حتی از راه بازی های خاصی میتوان چاره سازی کرد و راه را برای نجات کودک گشود .

۱۱- تغییر محیط : در مواردی بسیار با تغییر محیط و در نتیجه تغییر شرایط میتوان کودک ناسازگاری را به راه آورد ، طفلی که در مدرسه و کلاسی به آدم شلوغ ، بدرفتار ، ناسازگار معرفی شده و یا در محیط و محله خود او را باین وصف می شناسند قابل اصلاح نیست مگر از راه تغییر محیط . در اثر معروفیتی که کودک راجع به ناسازگاری خود بدست می آورد روحیه اش چنان میشود که گوئی حق خود میدانند رفتار ناسازگار خود را ادامه دهد . در چنین حالاتی

و شیوه‌های درست استوار کرد تا بعداً دچار دشواری نشوند.

از همان روزهای اولیه باید برای آموزش ارزشها، اصول و ضوابط اقدامی شود. بویژه ۶ سال اول زندگی از اهمیتی فوق‌العاده برخوردار است و مخصوصاً "در این مدت کودکان باید از مهر و عاطفه‌ای ارزنده و نیرومند برخوردار باشند از آن جهت که ریشه بسیاری از ناسازگاریها کمبودهای عاطفی است. زمینه سازندگی طفل باید بگونه‌ای باشد که طفل احساس تعلق نماید خود را جدا" وابسته به پدر و مادر و البته به آنها بداند.

در سازندگی کودکان رفتار الگوها نقشی اساسی دارد و آنها میتوانند سازگاری کودک را کم یا زیاد کنند. در همه حال فراموش نکنیم آنچه که در دوران کودکی شکل بگیرد برای همیشه و تمام مدت عمر باقی میماند.

همکاری خانه و مدرسه

در امر تربیت و به ثمر رساندن کودک اشخاص بسیاری باید دست اندرکار باشند. همه کسانی که در طول مدت رشد کودک در سر راه او قرار دارند باید به سازندگیش همت گمارند. کودکی که بخانه دوستان و بستگان شما آمد و شد دارد ناگزیر از آنها تاثیر می‌پذیرد و بدین سان آنها هم باید در باره او روش درستی را معمول دارند و یا طفلی که به مدرسه می‌رود ناگزیر از معلم و مدرسه، کلاس و برنامه و کودکان معاشر خود تاثیر می‌پذیرد. بر این اساس لازم است آنها هم اصول و ضوابطی را مراعات نمایند که حتماً این چنین میکنند.

۲- تنبیه‌های سخت: این هم راه و روش بدتری است که برخی از والدین و مربیان عمل میکنند. بررسیها نشان میدهند که تنبیهات نه تنها رفع ناسازگاری نمی‌کنند بلکه عناد و سرکشی را در کودک زیادتر میسازند. و برحساسیت او می‌افزایند.

اصولاً "کودک در برابر اعمال فشار ناشی از تنبیه چه میکند؟ یا سر از تسلیم و تابعیت در می‌آورد که در آن صورت تابعیتی است با غلبه زبونی و بیچارگی، یا بر شجارت و ناسازگاری خود می‌افزاید که آن خود بدبختی دیگری است و برخی از کودکان هم ممکن است راه فرار از خانه را در پیش گیرند که آنهم خطری دیگر است. در همه حال نباید فراموش کرد که فرد ناسازگار از یک دید بیمار است و بیمار را باکتک زدن نمی‌توان درمان کرد.

غرض این است هیچ خانواده‌ای بدون همراهی و همکاری اولیای مدرسه موفق به سازگار کردن کودک ناسازگار نیست، بهمانگونه که هیچ معلم و مدرسه ای هم بتنهائی نمی‌تواند در این رابطه موفق باشد. در اصلاح ناسازگاریها بغير از والدین و مربیان افرادی دیگر هم میتوانند دست اندرکار باشند، از جمله کلینیک‌های روانی، مشاوران درمانگران روانی، داستان‌ها، کتب و نوشته‌ها روحانیون، مددکاران اجتماعی و... و اصل در همه این اقدامات این است که تصویری نیکو از کودک ناسازگار تهیه کرده و اطلاعات درست را در اختیار بگذاریم.

این تذکر و هشدار است برای والدین و مربیانی که امر تربیت نسلی جدید و نوحاسته را بر عهده دارند و این تذکر این است که امر تربیت فرزند را از همان آغاز باید بر پایه صحیح